تحلیل ارتباط خشم اخلاقی با بی‌طرفی حسابرس

میرامید یوسفی شارمی[1]، دکتر بهمن بنی مهد[2]*، دکتر مهدی مرادزاده فرد[2]، دکتر بهرام همتی[2]
۱. دانشجوی دکتری گروه حسابداری ، واحد کرج ، دانشگاه آزاد اسلامی ، کرج ، ایران
۲. گروه حسابداری ، واحد کرج ، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج ، ایران

(تاریخ دریافت:۱۴۰۰/۰۶/۱۴، تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۰۸/۱۳)

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه: تحقیقات نشان می‌دهد، ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری افراد بر تصمیمات و قضاوت‌های آن‌ها اثرگذار است. هدف تحقیق حاضر در درجه اول بسط مبانی نظری قضاوت و تصمیم‌گیری افراد در متون اخلاق و در درجه دوم بررسی رابطه خشم اخلاقی با بی‌طرفی حسابرس است.

روش: روش پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها، توصیفی – همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات خصوصی عضو جامعه حسابداران رسمی بوده که تعداد ۳۴۰ نفر از اعضای جامعه به عنوان نمونه آماری، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. برای گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، خشم اخلاقی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌دار و مثبت با بی‌طرفی حسابرس دارد. هم‌چنین، جنسیت و محل اشتغال به ترتیب، روابط مثبت و منفی معنی‌دار، در سطح اطمینان ۹۵ درصد با بی‌طرفی حسابرس دارند.

نتایج: بر اساس یافته‌های این پژوهش افرادی که دارای خشم اخلاقی بیشتر هستند، از استقلال و بی‌طرفی بیشتری برخوردار بوده و اقدام به اخذ تصمیمات و قضاوت‌های عادلانه می‌کنند. در این مورد، سیاست‌گذاران حرفه حسابرسی می‌توانند، اصول و قواعد اخلاقی و همچنین قوانین لازم را تدوین نمایند.

کلیدواژگان: خشم اخلاقی، بی‌طرفی حسابرس، حرفه حسابرسی

سرآغاز

ورشکستگی شرکت‌های بزرگ و رسوایی‌های مالی در جهان باعث تضعیف اعتبار حرفه حسابرسی شده است. نتایج تحقیقات گذشته حاکی از آن است که خروجی کار حسابرسان متاثر از تصمیمات آنان در تمام مراحل حسابرسی می‌باشد. تصمیم‌گیری به فرآیند ذهنی (شناختی) گفته می‌شود که به انتخاب یک اقدام در میان اقدامات جایگزین می‌انجامد (۲،۱). بنابراین حسابرسان با تصمیم‌گیری‌های اشتباه، به رسوایی‌های مالی دامن می‌زنند و اعتبار حرفه را با چالش مواجه می‌کنند. زیرا تصمیمات افراد متاثر از ویژگی‌های اخلاقی آنان بوده و عدم رعایت اخلاق و هم چنین عدم پایبندی به اخلاق حرفه ای، در میان حسابرسان، منجر به تصمیمات اشتباه و در نتیجه رسوایی‌های مالی می‌شود (۳). این رسوایی‌ها اعتبار حسابرسان را مخدوش می سازد. از این رو ، توجه به اخلاق یکی از موضوعات بسیار مهم در حرفه حسابداری و حسابرسی است (۴).

در این خصوص استانداردها و آیین رفتار حرفه‌ای زیادی وضع شد تا حسابداران و حسابرسان از اصول اخلاقی پیروی نمایند(۴). زیرا رفتار حسابرسان در تمام مراحل حسابرسی، بر تصمیم‌گیری و قضاوت‌های آنان سایه افکنده و بی‌طرفی حسابرسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به عقیده پژوهش‌گران، وقوع رسوایی‌های مالی در سال های اخیر ، رعایت موازین اخلاقی را در حرفه حسابرسی االزامی می نماید (۵).

استقلال و بی‌طرفی حسابرس یکی از ارکان اصلی تقویت و پشتیبانی کننده خدمات حسابرسی اثربخش است. حرفه حسابرسی وظیفه ارایه خدمات اعتباردهی را به عهده داشته و استقلال و بی‌طرفی حسابرس می‌تواند ضامن بقای آن باشد. محققان بر این باورند که استقلال و بی-طرفی حسابرس به منزله جوهر اساسی فرایند حسابرسی است. بی طرفی برای حسابرس شرایط فکری را فراهم می کند که عاری از تمام محدودیت‌های شخصی، خارجی و سازمانی است(۶).

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی: dr.banimahd@gmail.com

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفدهم، شماره ۳، ۱۴۰۱
[DOR: 20.1001.1.22517634.1401.17.3.20.4]

بنابراین، اگر حسابرس مستقل و بی‌طرف نباشد، اظهار نظر او چیزی به اعتبار گزارش های مالی نمی‌افزاید و ممکن است موجب گمراهی[1]مخاطبان و استفاده‌کنندگان شود. از این‌رو، حسابرسان در ایفای مسئولیت‌های حرفه‌ای خود باید بی‌طرف بوده و تضاد منافع نداشته باشند. به همین دلیل، هر عضو شاغل در حسابرسی هنگام ارائه خدمات حسابرسی و سایر خدمات اعتباردهی، باید واقعا مستقل باشد و مستقل به نظر برسد تا تصمیم‌گیری و قضاوت‌های بی‌طرفانه حاصل شود. بی‌طرفی حسابرسان تحت تاثیر عوامل مختلفی است. شناسایی این عوامل می‌تواند موجب شناخت بهتر ابعاد آن شود. یکی از این عوامل، خشم اخلاقی[2] است. خشم اخلاقی ، یک هیجان مثبت اخلاقی است و جدا از خشم فردی است. افرادی که اخلاق مدار هستند ، وقتی عدم رعایت اخلاق و انصاف را در جامعه مشاهده می کنند ، دچار خشم اخلاقی می شوند. اکثر افراد حامی محیط زیست ، در پی عدم رعایت مقررات زیست محیطی و اجتماعی از سوی بنگاه ها اقتصادی ، دچار خشم اخلاقی می شوند و ممکن است بر علیه آن بنگاه ها اقامه دعوی نمایند. بنابراین ، هدف این پژوهش نیز بررسی تاثیر خشم اخلاقی بر بی‌طرفی حسابرس است. هم‌چنین بسط و گسترس مبانی نظری تحقیقات اخلاق در حسابرسی از جمله اهداف دیگر این پژوهش می‌باشد.

از دیدگاه محققان، پایبندی به اصول اخلاقی نشان دهنده سلامت حسابرسان بوده و مانع از افراط و تفریط در اعمال و رفتار آنان می‌شود. زیرا اخلاق در شکل‌دهی به تصمیم افراد و فرایند شکل‌گیری آن نقش تعیین کننده دارد (۷). از دیدگاه آنان اصول اخلاقی به حسابرسان اجازه می‌دهد تا عمل درست را به دلایل درست و به میزان متعادل انجام دهند (۸). خشم اخلاقی به ترکیبی از پاسخ‌های شناختی، عاطفی[3] و رفتاری اشاره دارد. خشم حالتی هیجانی و ذهنی است که با برانگیختگی جسمانی، تضاد شناختی[4] و افکار ستیزه جویانه همراه و واکنشی است که در موقعیت‌های گوناگون نظیر ناکامی‌های واقعی یا خیالی، آسیب‌ها، تحقیرها یا بی‌عدالتی‌ها[5] برانگیخته می‌شود و ممکن است به واکنش های غیر ارادی منجر شود(۹،۱۰). در مورد خشم تعاریف متعددی از سوی فلاسفه و روانشناسان ارائه شده است. ولی در تمامی آن‌ها می‌توان دو نکته مشترک را مشاهده کرد. اول آنکه عامل اصلی بروز خشم، بی‌عدالت‌ها، تهدیدها[6]، ناکامی‌ها و موانعی است که سر راه افراد قرار می گیرد و دوم آنکه هدف خشم اغلب دفاع از عدالت است (۱۱). خشم با رفتار ناعادلانه و تمایل به تعهد[7] انقلاب اجتماعی برای پیشبرد رعایت برابری در ارتباط است (۱۲). خشم اخلاقی عموما، به عنوان واکنش عدالت‌خواهانه و منتقدانه، در مواجهه با بی‌عدالتی‌ها یا انحراف از برابری توصیف می‌شود که با مشاهده تجاوز به ارزش‌ها و حقوق آغاز و متعاقباً به سمت متجاوز یا کسانی که مسئول مجازات هستند، هدایت می‌شود (۱۳ ، ۱۴). تحقیقات قبلی حاکی از آن است که وقتی افراد با نابرابری و بی‌عدالتی مواجه می‌شوند، احساس خشم اخلاقی خواهند کرد و سپس بی‌عدالتی اجتماعی را نمی‌پذیرند و به مجرم، مجازات[8] موجهی می‌دهند (۱۵). پژوهش‌گران، نشان دادند که خشم اخلاقی بر مخالفت با برابری اجتماعی، اثر تعدیل کننده دارد و در صدد حمایت[9] از سیاست‌های اجتماعی، برابری و توزیع مجدد ثروت است (۱۶). از آنجا که خشم اخلاقی می‌تواند حمایت از توزیع مجدد ثروت، قدرت و منابع را برای کمک به گروه‌های محروم به طور مثبت پیش‌بینی کند، افراد دارای قدرت باید خشم اخلاقی را از بین ببرند تا از مزایای نابرابر خود محافظت کنند (۱۶). نتایج تحقیقات در پژوهشی دیگر، نشان داد به طور خاص، افرادی که خشم اخلاقی پایین‌تری دارند، اقدام به تقلب[10]نموده و اعمال فریب‌دهنده[11] انجام می‌دهند. بنابراین، آنان نشان دادند که متغیر خشم اخلاقی، بطور قابل توجهی با قصد تقلب رابطه منفی دارد و موجب بهبود رفتارهای اخلاقی می شود (۱۷). محققان دیگر نیز، اثر تضعیف توجیه سیستم بر حمایت از سیاست‌های اجتماعی توزیع مجدد ثروت را با متغیر میانجی خشم اخلاقی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنان حاکی از آن است که مخالفت با برابری، با کاهش خشم اخلاقی و گناه وجودی [12]همراه است، اما افزایش خشم اخلاقی با حمایت از توزیع مجدد ثروت و برقراری عدالت همراه است و همچنین خشم اخلاقی حمایت از سیاست های آموزش و اشتغال را با هدف کمک به اعضای گروه‌های محروم بر می‌انگیزد (۱۶). همچنین برخی دیگر، در پژوهش خود نشان دادند، جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی[13] افراد، دارای پیامدهای واقعی برای گروه‌های خارجی با خشم اخلاقی بالا است که ظلم و ستم بر گروه‌های محروم را درک می‌کنند و برای حمایت از حقوق آنان برانگیخته می‌شوند. این افراد خارجی قادر به حمایت از گروه یا گروه‌های محروم بوده و مایل به واکنش اقدام جمعی برای حمایت از گروه‌های محروم هستند و درنهایت با گروه‌های غالب درگیر می‌شوند. نتایج تحقیقات در حوزه تصمیم‌گیری نیز حاکی از آن است که خشم اخلاقی در قضاوت‌ها و تصمیمات افراد اثرگذار است (۱۸). بعنوان مثال، برخی از محققان نشان دادند که خشم اخلاقی افراد بر تصمیمات اخلاقی آنان اثرگذار بوده و افراد با خشم اخلاقی بالا ، اخلاق را بیشتر رعایت می نمایند (۱۹). هم چنین برخی دیگر، نشان دادند، خشم اخلاقی می‌تواند پردازش اطلاعات را کاهش و در تصمیم‌گیری افراد اثرگذار باشد و افزایش آن منجر به اتخاذ تصمیمات و قضاوت‌های اخلاقی می‌شود. خشم اخلاقی حاصل دو احساس خشم، نفرت[14] و انزجار[15]در فرد است. به این ترتیب، خشم اخلاقی نشان دهنده ترکیبی منحصر به فرد از خشم و انزجار است که در آن، دو احساس با هم تعامل دارند و هر کدام تأثیر متفاوتی بر قضاوت افراد دارند (۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲). علاوه بر این، انزجار و خشم نشانه‌های تحریک کننده متفاوتی دارند (۲۳). به طور کلی خشم اخلاقی بر قضاوت‌های افراد اثرگذار بوده و ارزیابی‌های شناختی و زمینه‌ای (۲۴) و تمایلات شخصی (۲۱)، نیز، پیش‌بینی‌های پیچیده و فرایندهای پشت خشم اخلاقی هستند که خشم اخلاقی را هدایت کرده و می‌توانند بر تصمیمات اخلاقی افراد اثر بگذارند. به این معنی که تمایلات درونی اشخاص، ارزیابی‌های شناختی و زمینه‌ای افراد، نقش مهمی را در کنترل و یا هدایت خشم، توسط آنان ایفا می‌کند. به این صورت که اگر فرد اهداف و یا خواسته‌های درونی از پیش تعیین شده‌ای داشته باشد، برای رسیدن به آن‌ها در هنگام مواجهه با بی‌عدالتی‌ها و یا رفتارهای غیراخلاقی، خشم خود را کنترل و دست به

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1401.17.3.20.4]

اقدامات ناعادلانه و غیراخلاقی می‌زند (۲۳). برخی دیگر دریافتند، افراد با ترس پایین و کنترل منبع درونی رفتارها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی بیشتری داشته و کمتر تسلیم درخواست‌های غیراخلاقی مدیران مافوق می‌شوند. هم چنین خلق و خوی یا عاطفه منفی ترس بالا منجر به الگوی رفتاری «شیب لغزنده» یا «سازگاری اخلاقی» شده و عاطفه منفی ترس پایین منجر به الگوی رفتاری «مجوزدهی» یا «جبرانی» می‌شود (۲۶). برخی دیگر نشان دادند، رابطه معنی‌داری بین ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان و قضاوت‌های اخلاقی آن‌ها وجود دارد (۳). محققان دیگر نیز اثر خشم اخلاقی را بر واکنش های افراد به رفتارهای غیراخلاقی شرکت‌ها و تولیدکنندگان مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که افراد با خشم اخلاقی بالاتر، نسبت به تخلفات و رفتارهای غیراخلاقی تولیدکنندگان واکنش بیشتری نشان داده و آن‌ها را تحریم می‌کنند. بعلاوه رفتارهای غیراخلاقی شرکت‌ها، عدم حمایت آنان توسط گروه‌های (مشتریان و یا مصرف کنندگان) با خشم اخلاقی بیشتر را به همراه دارد (۲۷). بر این اساس، در روزگار غربت اخلاقی و سرمازدگی وجدان اخلاقی، که نتیجه از بین رفتن حقیقت و انسانیت است، قرار گرفتن اصول اخلاقی و عدالت‌خواهی، به عنوان محور اصلی قضاوت و تصمیم‌گیری افراد، بسیار ارزشمند بوده و شکوفایی بشریت را به همراه دارد. بنابراین ضرورت رعایت اصول اخلاقی را به اوج خود می‌رساند (۲۸). به طور کلی، نتایج تحقیقات گذشته حاکی از آن است که خشم اخلاقی افراد، عاملی بسیار مهم به هنگام قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های افراد است.

در همین راستا، پژوهش‌های انجام شده نیز در زمینه اخلاق حرفه‌ای نشان دهنده این مطلب هستند که ویژگی‌های اخلاقی – رفتاری افراد بر قضاوت و تصمیم‌گیری‌های آنان اثرگذار است. به همین دلیل، در چند دهه اخیر، توجه به اخلاق حرفه‌ای، به یک ضرورت غیر قابل اجتناب تبدیل شده است. چرا که حسابرسان از طریق رعایت موازین اخلاقی، می‌توانند تصیم‌گیری و قضاوت‌های خود را بهبود بخشیده و بی‌طرفی خود را در تمام مراحل حسابرسی رعایت کنند. به همین منظور، حرفه حسابرسی باید رعایت اخلاق را جزء اولویت‌های خود قرار دهد و ضمن شناسایی ویژگی‌های اخلاقی اثرگذار بر تصمیم‌گیری و قضاوت افراد، در جهت بهبود این ویژگی‌ها تلاش کند. از این‌رو، توسعه متغیرهای اثرگذار بر بی‌طرفی حسابرس می‌تواند به عنوان یک اهرم قدرتمند عمل نموده و موجب بهبود اخلاق حرفه‌ای و قضاوت‌های حسابرسان شود. این مهم، با تشکیل جامعه حسابداران رسمی و افزایش رقابت میان موسسات حسابرسی اهمیت ویژه‌ای یافته است. لذا با توجه به اهمیت و ضرورت اخلاق حرفه‌ای در حرفه حسابرسی، پژوهش حاضر سعی دارد تا تاثیر خشم اخلاقی بر بی‌طرفی حسابرس را مورد مطالعه قرار دهد. بر اساس آنچه که در بالا آورده شده، فرضیه تحقیق به صورت زیر نوشته می‌شود:

خشم اخلاقی حسابرسان بر بی‌طرفی آنان تاثیر مثبت و معنی‌دار، دارد.

روش

روش تحقیق برای جمع‌آوری مبانی نظری، کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق، پیمایشی با استفاده از پرسش‌نامه می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، افراد شاغل در حرفه حسابرسی می‌باشد. قلمرو زمانی پژوهش نیز سال ۱۴۰۰ است. تعداد نمونه ۳۴۰ نفراز افراد جامعه بوده و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با فرض جامعه آماری نامعلوم استفاده شده است:

رابطه (۱) فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه

$$n = \frac{Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 pq}{d^2}$$

در این فرمول:

n تعداد نمونه

$Z_{\frac{\alpha}{2}}$ مقدار نرمال استاندارد یعنی ۱/۹۶=

P=q=0/5

d=0/1

تعداد نمونه آماری به دست آمده مطابق با فرمول بالا ۹۶ می باشد که در این تحقیق تعداد ۳۴۰ پرسش‌نامه به صورت تصادفی میان حسابرسان شاغل در موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی توزیع و دریافت شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه‌های خشم اخلاقی و بی‌طرفی حسابرس است (۱۱ و ۲۹). هر دو پرسشنامه استاندارد می‌باشد که در تحقیقات قبلی مورد استفاده پژوهش‌گران قرار گرفته و از روایی کافی برخوردار می‌باشد. به طوری که آلفای کرونباخ پرسش‌نامه خشم اخلاقی ۷۳ درصد و پرسشنامه بی‌طرفی نیز ۷۵ درصد به دست آمده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری و رگرسیون چند متغیره با استفاده از نرم افزار SPSS شماره ۲۲ انجام شده است.

متغیر وابسته در این پژوهش، بی‌طرفی حسابرس و متغیر مستقل، خشم اخلاقی است. هم‌چنین، متغیرهای جنسیت، تحصیلات، محل اشتغال و رتبه شغلی از جمله متغیرهای کنترلی در این پژوهش هستند. مدل تحقیق به صورت زیر نوشته می‌شود:

$Y=a_0+a_1x_1+a_2x_2+a_3x_3+a_4x_4+\mu$

Y= بی‌طرفی

X_1= خشم اخلاقی

X_2= جنسیت حسابرس

X_3= محل اشتغال حسابرس

X_4= رتبه شغلی حسابرس

μ= خطای مدل

سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان شامل ۲ درصد کاردانی، ۳۵ درصد کارشناسی، ۴۹ درصد کارشناسی ارشد و ۱۴ درصد دکتری و یا دانشجوی دکتری بودند. ۷۴ درصد از پاسخ‌دهندگان در بخش خصوصی

مقاله پژوهشی
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفدهم، شماره ۳، ۱۴۰۱

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1401.17.3.20.4]

و بقیه در بخش دولتی شاغل هستند. هم‌چنین ۱۸ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای رتبه شغلی حسابرس، ۸ درصد حسابرس ارشد، ۱۱ درصد سرپرست حسابرسی، ۲۱ درصد مدیر حسابرسی و بقیه شریک حسابرسی بودند.

یافته‌ها

نتایج حاصل از آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر متغیرهای مربوط به متفیرهای تحقیق در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱ : آمار توصیفی

شرح	خشم اخلاقی	بی‌طرفی حسابرس
میانگین	۶۹/۵۱	۵/۳۱
میانه	۷۱/۵۰	۵/۰۰
انحراف معیار	۱۲/۲۰۱	۲/۶۴۸
حداقل	۴۲	۱
حداکثر	۹۰	۱۰

نتایج آزمون فرضیه تحقیق در جدول شماره ۲ آورده شده است. همان‌گونه که در این جدول نشان داده شده است، سطح معنی‌داری متغیر خشم اخلاقی برابر با ۳/۵ درصد و زیر ۵ درصد است. از این‌رو می‌توان گفت که بین خشم اخلاقی و بی‌طرفی حسابرس، رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود. از آنجایی‌که ضریب متغیر خشم اخلاقی مثبت می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که خشم اخلاقی اثر مستقیم و مثبت بر بی‌طرفی حسابرس دارد. این موضوع به این معنی است، هر چه خشم اخلاقی افزایش یابد، بی‌طرفی حسابرس نیز افزایش می‌یابد.

همچنین نتایج جدول شماره ۲ بیانگر آن است که متغیرهای سطح تحصیلات و رتبه شغلی حسابرس رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته ندارند. زیرا سطح معنی‌داری این متغیرها به ترتیب ۴۲/۵ و ۱۴/۴ درصد و بزرگتر از ۵ درصد است. اما جنسیت و محل اشتغال حسابرس رابطه معنادار و مثبت با متغیر وابسته دارد.

جدول ۲: نتایج حاصل از فرضیه

شرح	ضرایب	آماره T	سطح معنی‌داری	عامل تورم واریانس
مقدار ثابت	۳/۱۵۵	۳/۱۵۱	۰/۰۰۲	----
خشم اخلاقی	۰/۲۴	۲/۱۱۲	۰/۰۳۵	۱/۰۰۳
جنسیت	۰/۶۷۹	۲/۱۸۹	۰/۰۲۹	۱/۰۴۰
محل اشتغال	-۱/۲۴۷	-۳/۷۷۶	۰/۰۰۰	۱/۰۷۷
سطح تحصیلات	۰/۱۶۵	۰/۷۹۹	۰/۴۲۵	۱/۰۹۳
رتبه شغلی	۰/۱۳۷	۱/۴۶۵	۰/۱۴۴	۱/۱۹۳
آماره F = ۵/۱۲۲		سطح معنی‌داری آماره F = ۰/۰۰۰		
R^2 تعدیل شده = ۰/۵۷		آماره دوربین واتسن = ۲/۱۳۵		

عامل تورم واریانس طبق جدول ۲ برای هریک از متغیرها نزدیک به عدد یک می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که میان متغیرهای مستقل و کنترل خود همبستگی شدید وجود ندارد

بحث

یافته های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد خشم اخلاقی اثر مثبت و معنی‌داری بر بی‌طرفی حسابرس دارد. به عبارت دیگر هر چه خشم اخلاقی حسابرسان افزایش یابد، در آن صورت بی‌طرفی آنان نیز افزایش می یابد. بر اساس شواهد تحقیق حاضر می‌توان گفت، افرادی که خشم اخلاقی بالاتری دارند، در قضاوت و تصمیمات از استقلال و بی‌طرفی بیشتری برخوردار هستند.

یافته های این مقاله، با نظریه ایدئولوژیکی مطابقت دارد. طبق این نظریه می‌توان گفت، خشم اخلاقی افراد بر عدالت‌خواهی، برابری، حمایت از گروه‌های محروم، مقابله با استبداد و توزیع مجدد ثروت تاثیر مثبت دارد و موجب برابری و توازن میان گروهای مختلف می‌شود. به این صورت که اگر افراد احساس بی‌عدالتی و نابرابری کنند، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند که با خشم و اقدامات عدالت‌خواهانه همراه است. هم چنین نتایج تحقیق حاضر را می‌توان با یافته‌های پژوهش‌گرانی که نشان دادند در سطوح بالای خشم اخلاقی، اقدامات متقلبانه کاهش، مخالفت با بی‌عدالتی و حمایت از عدالت و برابری افزایش می‌یابد، مشابه و یکسان دانست(۱۱).

این پژوهش تایید می‌نماید که خشم اخلاقی بالاتر، استقلال و بی‌طرفی افراد را بهبود بخشیده و افزایش می‌دهد. این امر موجب تشویق حسابرسان به رعایت اخلاق و آئین رفتار حرفه‌ای مانند استقلال و بی‌طرفی حسابرس می‌شود. بنابراین درک حسابرسان شاغل در حرفه حسابرسی از خشم اخلاقی در موسسات حسابرسی، می‌تواند بر استقلال و بی‌طرفی حسابرس تاثیر با اهمیتی داشته باشد. این موضوع ، با نتایج تحقیقات قبلی مطابقت دارد؛ از جمله تحقیقی که اذعان دارد افراد با خشم اخلاقی بالا ، اخلاق را بیشتر رعایت می نمایند (۱۹). با توجه به این که حسابرسان نقش با اهمیتی در اطمینان بخشی نسبت به صحت اطلاعات حسابداری به استفاده‌کنندگان آن اطلاعات دارند، لذا پیشنهاد می‌شود، قانون‌گذاران در حرفه حسابرسی، سیاست‌گذاری‌های

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1401.17.3.20.4]

مناسبی در زمینه ویژگی‌ها و اصول اخلاقی، در میان موسسات حسابرسی فراهم آورند تا بدین وسیله رعایت اخلاق در سطح حرفه حسابرسی بهبود و به موجب آن کیفیت حسابرسی نیز ارتقاء یابد.

نتایج این پژوهش هم‌چنین نشان می‌دهد سطح تحصیلات و رتبه شغلی اثر معنی‌داری، بر بی‌طرفی حسابرس ندارد. ولی جنسیت و محل اشتغال، بر بی‌طرفی حسابرس اثر گذار است. به این صورت که جنسیت اثر مثبت و معنی دار و محل اشتغال، اثر منفی و معنی‌دار با بی‌طرفی حسابرس دارد. این امر بیانگر آن است که موضوع بی طرفی در میان مردان بیشتر از زنان است. هم چنین حسابرسان شاغل در بخش خصوصی بی طرفی کمتری نسبت به بخش دولتی دارند. هم چنین سطح تحصیلات و رتبه شغلی رابطه معنی داری با بی طرفی حسابرس ندارند. به بیان دیگر ، با افزایش سطح تحصیلات و رتبه شغلی در حسابرسان، بی‌طرفی آن ها افزایش نمی یابد. پژوهش حاضر شواهدی درباره تاثیر یکی از مولفه‌های اخلاقی یعنی خشم اخلاقی بر بی‌طرفی حسابرسان را فراهم می‌آورد. این امر می تواند بینش های مفیدی را به حسابرسان ارائه دهد. از جمله آن که این مقاله روشن می سازد تا چه اندازه اخلاق حرفه ای ، متأثر از خشم و هیجانات اخلاقی است. خشم اخلاقی حسابرس در اجرای وظایف اعتباردهی و اطمینان بخشی به اطلاعات مالی، می‌تواند موجب تقویت استقلال حسابرس و در نتیجه بهبود کیفیت حسابرسی گردد.

در پایان، تعمیم نتایج تحقیق حاضر به جامعه آماری دیگر را می‌توان از محدودیت‌های اصلی این تحقیق بر شمرد. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود، تاثیر جهت گیری های اخلاقی بر بی‌طرفی حسابرسان مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد خشم اخلاقی به عنوان یکی از ویژگی های رفتار اخلاقی، می‌تواند باعث ترویج و تقویت بی‌طرفی حسابرسان گردد. شواهد این مقاله نشان می‌دهد که خشم اخلاقی به عنوان یکی از ویژگی‌های اخلاقی، متغیر با اهمیت و تاثیرگذاری بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان بوده و می‌تواند فرایند قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس را بهبود بخشد. در واقع در حسابرسانی که خشم اخلاقی بالایی دارند، می‌توان استقلال و بی‌طرفی بیشتری را مشاهده نمود. این عامل به نوبه خود موجب بهبود اخلاق حرفه‌ای در حرفه حسابرسی و در نتیجه ارتقای استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی خواهد شد. به نظر نویسندگان مقاله حاضر، نتایج این پژوهش، اطلاعات سودمندی را در خصوص عوامل اخلاقی موثر بر بی‌طرفی حسابرس در اختیار مخاطبان آن قرار می‌دهد. این نتایج می‌تواند در برنامه‌ریزی برای تدوین اصول اخلاقی حرفه حسابرسی و سیاست‌گذاری در آیین رفتار حرفه‌ای مناسب در موسسات حسابرسی مورد استفاده قانون‌گذاران در حوزه حسابرسی قرار گیرد. هم‌چنین شواهد این پژوهش، موجب گسترش و توسعه مباحث مربوط تاثیر ویژگی‌های اخلاقی افراد بر قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی در حرفه حسابرسی می‌شود.

ملاحظه های اخلاقی

موضوعات اخلاقی چون، سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، انتشار چندگانه و ..... در این مقاله مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. علاوه بر رعایت اصل اخلاقی امانت‌داری در نگارش مقاله، در هنگام توزیع پرسش‌نامه‌ها نیز به افراد اطمینان داده شد که نظرات آن‌ها محرمانه خواهند ماند و نتایج تنها به صورت کلی بررسی خواهند شد.

سپاسگزاری

پژوهش‌گران بر خود واجب می دانند از زحمات مدیران و کارکنان سازمان حسابرسی و موسسات خصوصی حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی به دلیل همکاری آن‌ها در تکمیل پرسش‌نامه‌ها کمال تقدیر و تشکر را به عمل آورند.

واژه نامه

1. Misguided	گمراهی
2. Moral outrage	خشم اخلاقی
3. Emotional	عاطفی
4. Cognitive conflict	تضاد شناختی
5. Injustice	بی عدالتی
6. Threats	تهدیدها
7. Willingness to obligation	تمایل به تعهد
8. Punishment	مجازات
9. Protection	حمایت
10. Fraud	تقلب
11. Deceptive acts	اعمال فریب دهنده
12. Existential sin	گناه وجودی
13. Ideological orientations	جهت گیری های ایدئولوژیکی
14. Hate	نفرت
15. Disgust	انزجار

References

1. Sepasi H, Hasani H. (2017). Relationship between spirituality & ethical behavior of managers in financial reporting. Ethics in Science and Technology; 12 (1):132-142. (In Persian).
2. Rahnamayroodposhti F, Kharadyar S, Imeni M. (2016). The historical roots of stream researches in behavioral management accounting: Theories and research methods. Iranian journal of Value & Behavioral Accounting; 1 (1):25-52. (In Persian).
3. Khadir HA, Ghafourian A, Mahdavipour A. (2020). The Relationship between ethical cultures in audit firms with objectivity & independence of auditors. Ethics in Science and Technology; 14 (4) :96-103. (In Persian).

مقاله پژوهشی
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفدهم، شماره ۳، ۱۴۰۱
[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1401.17.3.20.4]

4. Johari RJ, Zuraidah MS, and Vincent KC. (2017). Effects of auditors' ethical orientation and self-interest independence threat on the mediating role of moral intensity and ethical decision-making process. International Journal of Auditing; 21 (1): 38–58.
5. Asadian OA, Hajiha ZR, Ramezan A, Vakilifard HR. (2019). Analyzing the relationship between ethical orientation with intensity and sensitivity. Ethics in Science and Technology; 14 (3) :137-141. (In Persian).
6. Salehi T. (2016), Relationship between auditor professional ethics and audit quality. Ethics in Science and Technology; 11(3): 77-86. (In Persian).
7. BaniMahd B, Beigi HE. (2013). The relationship between personal values and ethical intentions of auditors. Ethics in Science and Technology; 7 (4) :31-40. (In Persian).
8. Rego A, Ribeiro N, Cunha MP, Jesuino JC. (2011). How happiness mediates the organizational virtuousness and affective commitment relationship. Journal of Business Research; 64(5): 524–532.
9. Novaco R. (2010), Anger as a risk factor violence among the mentally disorders. Chicago: University of Chicago Press.
10. Hyland S, Watts J, Fry M. (2016). Rates of workplace aggression in the emergency department and nurses' perceptions of this challenging behaviour: A multimethod study. Australasian Emergency Nursing Journal; 19(3): 143-148.
11. Dortaj F, Masa'ibi A, and Asadzadeh H. (2010). The effect of anger management training on aggression and social adjustment of male students 12-15 years old. Quarterly Journal of Applied Psychology; 3(4): 62-72. (In Persian).
12. Montada L, Schmitt M, Dalbert C. (1986). Thinking about justice and dealing with one's own privileges: A study of existential guilt. In: Bierhoff HW, Cohen RL, Greenberg J. (Eds.). Justice in social relations. New York, NY: Plenum Press.
13. Goodenough W. (1997). Moral outrage: territoriality in human gide. Jurnal of Zygon; 32(1): 5-27.
14. Cohen J. (1978). Partialed products are interactions; partialed powers are curve components. Psychological Bulletin; 85(1): 858-866.
15. Jessica M, Liana C. Peter H. (2013). The interactive effect of anger and disgust on moral outrage and judgments, disgust, anger, and moral outrage. Psychological Science; 24(10) 2069–2078.
16. Cheryl J, John T, Jost TR, Emmeline S. (2007). Moral outrage mediates the dampening effect of system justification on support for redistributive social policies. Psychological Science; 18(1): 267-274.
17. Wenwen Z, Xuyun T, li L. (2015). Effects of social dominance orientation and right-wing authoritarianism on corrupt intention: The role of moral outrage. International Journal of Psychology; 51(3):1-8
18. Alexander K, Aarti I, Winnifred R. Louis (2015). Right-wing authoritarianism and social dominance orientation predict outsiders' responses to an external group conflict: implications for identification, anger, and collective action. Jurnal of Ideology and Collective Action; 15 (1): 303-332.
19. Skitka, LJ., Bauman CJ, Mullen E. (2004). Political tolerance and coming to psychological closure. Personality and Social Psychology Bulletin; 30(1): 743–756.
20. Smith CA, Ellsworth PC. (1985). Patterns of cognitive appraisal in emotion. Journal of Personality and Social Psychology; 48(1): 813–838.
21. Gutierrez R, Sorolla R. (2007), Anger, disgust, and presumption of harm as reactions to taboo-breaking behaviors. Emotion; 7(1): 853–868.
22. RajabDori H, vakilifard HR, Salari H, Amiri A. (2020). Identifying and examining the importance of ethical theories in auditing from the perspective of experts and practitioners. Ethics in Science and Technology; 15 (2) :37-44.
23. Russell PS, Giner R. (2011), Moral anger is more flexible than moral disgust. Social Psychological and Personality Science; 2(1): 360–364.
24. Rozin P, Lowery L, Imada S, Haidt J. (1999). The CAD triad hypothesis: A mapping between three moral emotions (contempt, anger, disgust) and three moral codes (community, autonomy, divinity). Journal of Personality and Social Psychology; 76(1): 574–586.
25. Barclay L, Markel K, Yugo JE. (2012), Virtue theory and organizations: Considering persons with disabilities. Managerial Psychology; 27(1) 330-346.
26. Azar BJ, Nikoumram H, Royary RA, Yaghoubnejad A. (2020). Discriminant analysis of adaptive behavior and authorized behavior based on ethical identity and ethical intelligence. Ethics in Science and Technology; 15 (1) :93-98. (In Persian).
27. Craft JL. (2013), A review of the empirical ethical decision-making literature. Journal of Business Ethics; 117(2), 221–259.
28. Jorg L, Christoph S, Denise P. (2011), Consumer outrage: Emotional reactions to unethical corporate behavior. Journal of Business Research; 65(1): 1364–1373.
29. Svanberg J, Öhman P. (2016), Does Ethical culture in audit firms support auditor objectivity? Accounting in Europe; 13(1): 65-79.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1401.17.3.20.4]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1401.17.3.20.4] [Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-22]